

## لنفانژ کتازی اکتسابی در اثر رادیوتراپی

معرفی يك مورد و بررسی گزارشهای مربوط به آن

دکتر حسین نمئی\*

غیر قابل عمل جراحی تشخیص داده شده بود) با ۳۰۰۰ راد در ۲۴ جلسه رادیوتراپی شده است.

بعد از آن بیمار هر چند ماه یکبار در درمانگاه زنان بیمارستان عمومی دترویت از نظر عود بیماری یا متاستاز بمدت ۱۰ سال معاینه میگردد. شش ماه پیش بعلمت بروز ضایعات متعدد وزیکولر خارش دار در ناحیه لب بزرگ فرج وعانه به درمانگاه زنان مراجعه می کند. بیمار از درمانگاه زنان با تشخیص بالینی Herpes progenitalis جهت تأیید تشخیص و درمان به درمانگاه پوست معرفی گردید.

معاینه بالینی: در قسمت تحتانی جدار شکم و ناحیه خاجی کمری پلاکهای بزرگ بابعاد  $۸ \times ۱۰$  و  $۶ \times ۱۰$  سانتیمتر وجود داشت که مناطق آتروفی رتیکولر-هیپرپیگمانتاسیون و تلانژ کتازی مشخص رادیودرمیت را نشان می داد (شکل ۱) در امتحان زنانگی: در ناحیه لبهای بزرگ وزه‌ار چندین ضایعه کوچک وزیکولر نسبتاً شفاف وجود داشت که در امتحان دیاسکوپیی از بین می رفتند (شکل ۲). حالت التهابی یا قرمزی در اطراف وزیکولرها وجود نداشت. در ناحیه فرج و گردن رحم نکته جالب توجهی دیده نشد. سایر دستگاهها بنظر طبیعی بودند.

**یافته‌های آزمایشگاهی:** فرمول وشمارش عناصر خونی-قند خون-اوره خون وتست‌های کبدی (S.G.O.T., S.G.P.T., L.D.H) الکتروفورز-پاپ اسمیر وآزمایش ادرار- طبیعی بودند. رادیوگرافی سینه و استخوانها از نظر متاستاز منفی بودند. تست ترانک جهت تشخیص Herpes progenitalis منفی بود.

تعریف: لنفانژیوم ساده تومور نسبتاً نادری است که اغلب بعد از تولد ظاهر میگردد. این ضایعات از نظر بالینی بصورت وزیکولهای کوچک وزگیلی شکل باقوام الاستیکی میباشند که در داخل آنها مایع لنف جریان دارد (Allen, E.V.) [۱]. همولنفانژیومها نسبتاً شایعتر از نوع ساده است و بیشتر موارد همراه با خیز مزمن لنفاوی است.

**لنفانژ کتازی:** عبارتست از گشاد شدن اکتسابی مجاری لنفاوی که ممکن است بصورت وزیکولهای با جدار ضخیم یا لوله‌های گشاد و پیچیده شفاف، آبی رنگ یا صورتی کم رنگ تظاهر نماید. [۲]

کلمات لنفانژیوم و لنفانژ کتازی بعلمت شباهت نزدیک تعریفی بیشتر موارد در نوشته‌های پزشکی بجای همدیگر بکار برده شده است در حالیکه لنفانژیوم عارضه مادرزادی بوده ولیکن لنفانژ کتازی عارضه اکتسابی است ولی از احاطه بالینی و یافته‌های میکروسکوپی شباهت فراوان بهم دارند.

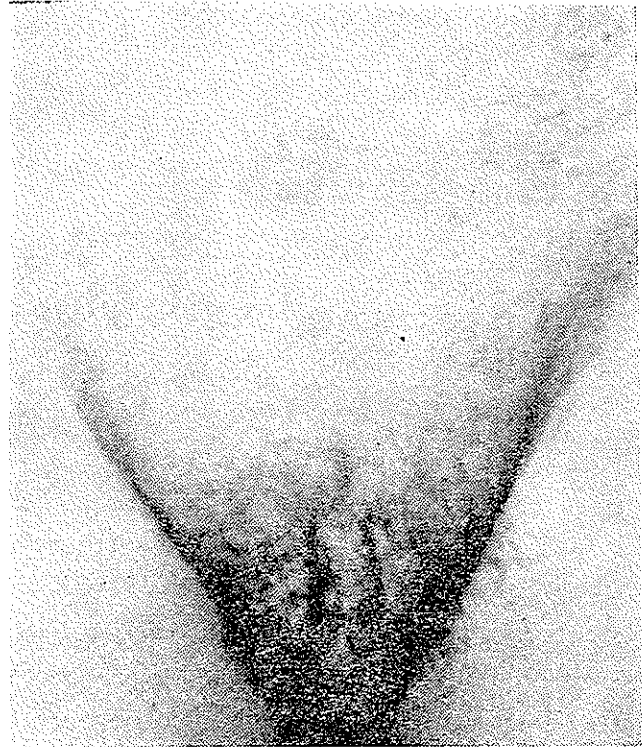
موارد لنفانژ کتازی سطحی دستگاه تناسلی زنانه در نتیجه ورم مجاری لنفاوی یا بسته شدن مجاری لنفاوی عمقی (چقدر اثر عوامل مکانیکی و چه آماسی) بعد از عمل جراحی گزارش شده است ولی لنفانژ کتازی ثانوی در اثر رادیوتراپی خیلی نادر بوده و تنها يك مورد توسط Isadore Fisher [۱۶] گزارش شده و ذیلا مورد دیگری از این بیماری شرح داده میشود:

شرح حال: بیمار زن ۵۰ ساله ایست که در ۳۵ سالگی با تشخیص سرطان گردن رحم (که به اطراف واژن تهاجم کرده و

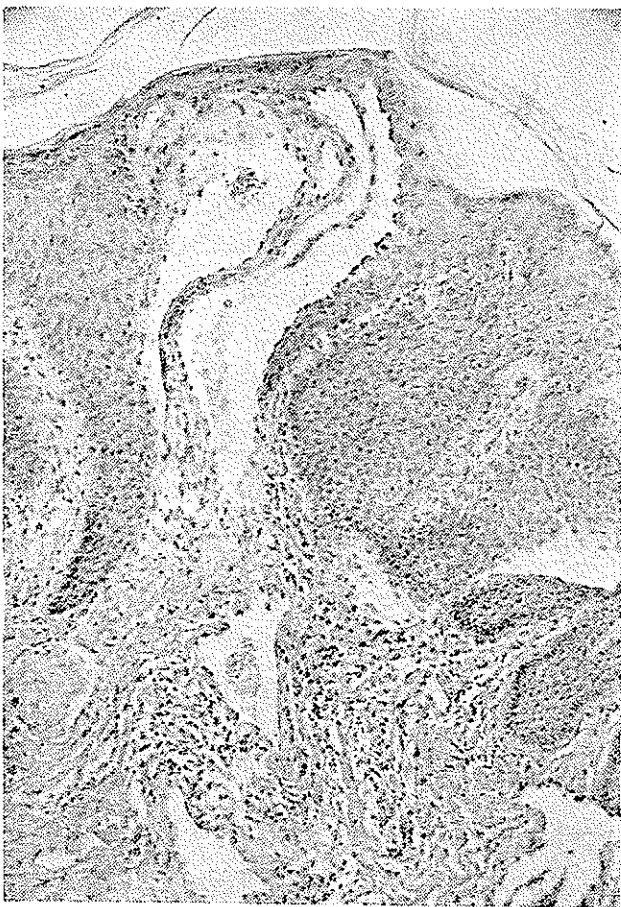
\* بخش پوست بیمارستان رازی

دو عدد از ضایعات جلدی جهت تشخیص بافت‌شناسی بیوپسی گردید.

در آزمایش ریزینی برشهای تهیه شده اپی‌درم بطور یکنواخت ضخیم ولی در بعضی نقاط آتروفیه بود. در ناحیه درم پاپیلر عروق لنفاوی گشاد شده و بطرف داخل اپی‌درم کشیده شده بودند (شکل ۳). در درم فوقانی فیروز مختصری نیز وجود داشت. یافته‌های میکروسکوپی فوق‌الذکر با تشخیص لنفانژکتازی مطابقت می‌کرد.



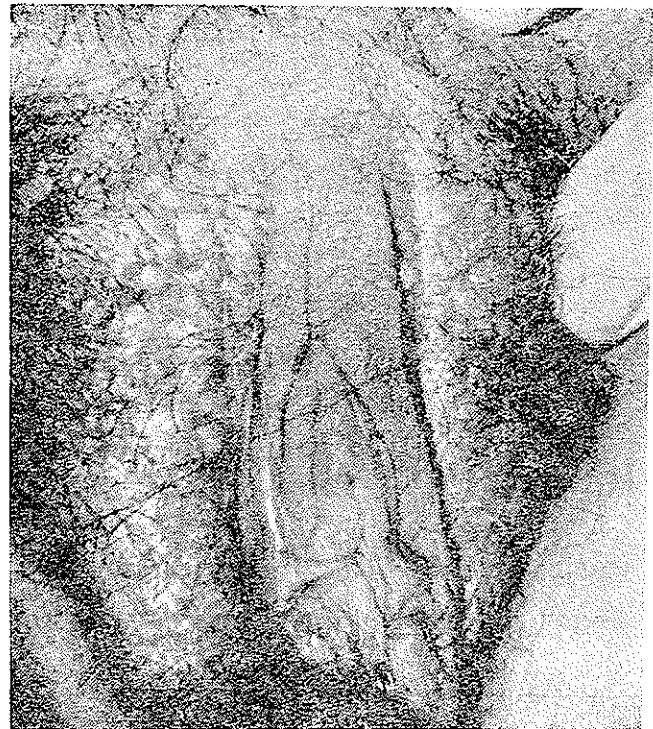
شکل ۱- جستجوی مشخص رادیودرمیت (آتروفی - تلانژکتازی و همپریپگما تناسیون)



شکل ۳- ضخیم شدن نامنظم اپی‌درم همراه با افتاد شدن مجاری لنفاوی درم فوقانی، جاری لنفاوی از یک ردیف سلولهای آندوتلیال متغیر شده است. بعضی از مجاری لنفاوی بدخل اپی‌درم نفوذ کرده است. (درشت‌نمایی)

بحث

شایعترین محل لنفانژیوم در پوست - عضلات - لب‌ها - کاسه چشم - مدیاستن - استخوان‌ها و بالاخره پشت حنقی است.



شکل ۲- وزیکول‌های کوچک و ششانی ناحیه لب بزرگ

از لحاظ میکروسکوپی Watson و Maccarty [۱۷] لنفانژیتومها را به چهار دسته تقسیم بندی کرده اند:

۱- ساده

۲- کاورنو

۳- سلولریا هیپرتروفیک که شبیه همانژیتومهای آبی رنگ

هستند.

۴- هیگرومای کیستیک.

از این چهار دسته آنهائیکه بالنفانژکتازی اکتسابی از لحاظ بالینی و میکروسکوپی ممکن است اشتباه گردد دسته اول میباشد. بنابراین در این مقاله فقط نوع اول یا ساده بحث می گردد.

لنفانژیتوم ساده انواع Circumscriptum, Cutis معمولاً بعد از تولد یا در دوران کودکی ظاهر می کند [۸]. شایعترین محل آن در ناحیه چین های زیر بغل - شانه - گردن - اندامها - مخاط دهان و واژن می باشد و از نظر بالینی بصورت وزیکول های کوچک عمقی نیمه شفاف شبیه به دانه خاویار هستند که در بعضی موارد بعلت ضخیم شدن ناحیه ایی درم نمای زگیلی پیدا میکنند. [۴]

بنا به عقیده Dowly [۶] این نوع لنفانژیتومها ضایعه سطحی نبوده بلکه همراه با اختلال مجاری لنفاوی عمقی است بطوریکه برداشت سطحی ضایعه بطریق جراحی باعث بهبودی کامل نگردیده و چه بسا دوباره عود میکند. مانند موردی که Pridie و Russell [۵ و ۷] گزارش داده اند بدین شرح:

بیمار مردی است ۵۱ ساله که از سال ۱۹۴۰ الی ۱۹۴۵ در کشورهای ماداگاسکار - افریقای جنوبی و پاکستان زندگی می کرده است. در سال ۱۹۴۶ موقع برگشت به انگلیس شکایت از بروز توده های کوچک بدون درد در کیسه بیضه داشت. ضایعات با عمل جراحی برداشته شد ولی از محل عمل مرتب ترشح زرد رنگی خارج می گردید. لنفانژیوگرام از ناحیه مغبنی یک لنفانژیتوم عمقی را نشان می داد.

آسپشناسی: در آزمایش ریزینی ضایعه برداشته شده عروق لنفاوی درم فوقانی گشاد شده بودند ولی هیچگونه علائم آماس - انسداد یا پارازیتی دیده نشد.

بنا به عقیده Allen, A.C [۱۱ و ۹] ۷۰٪ بیماران بعد

از عمل ماستکتومی رادیکال دچار خیز لنفاوی بوده و اغلب همراه با عفونت های متناوب می باشند که بیشتر به شکل غارخه باد سرخی استرپتوکوکی و ندرتاً استافیلوکوکی است و حتی چندین مورد از بیماران پس از چند سال دچار ضایعات Lymphangioma-Circumscriptum گردیده اند.

در سال ۱۹۴۸ Treves و Stewart [۱۰] در بررسی عوارض بعد از عمل ماستکتومی رادیکال در بیماران مبتلا به سرطان پستان، به ۶ مورد برخوردند که بیماران دارای خیز لنفاوی مزمن و آنژیوسارکوما ی بازوی طرف مقابل بودند که از آن بعد بنام لنفانژیوسارکوما ی Stewart و Treves مشهور گردید. در سالهای بعد نیز مواردی دیگر از این بیماری گزارش گردید. اتیولوژی تولید این تومور بدخیم را چنین توجیه کردند که ممکن است همان عامل سرطان زای سرطان پستان در کار بوده و ارتباطی به خیز مزمن ندارد. ولی مواردی از آنژیوسارکوما در زمینه خیز لنفاوی مزمن نیز گزارش شده که بیماران هیچگونه سابقه سرطانی نداشته اند [۱۲]. (Danes) و چنین نتیجه گرفته شده که بروز لنفانژیوسارکوما شاید در اثر فاکتورهای مساعد کننده در خیز موضعی است [۱۳].

ABE, All [۱۴] مواردی از لنفانژکتازی اکتسابی پس از درمان با Grenz-Ray را گزارش کرده اند در حالی که تنها یک مورد لنفانژکتازی اکتسابی ناحیه فرج بعد از رادیو-تراپی ناحیه لگن توسط Isadore Fisher [۱۶] در سال ۱۹۷۰ منتشر گردید. علت تولید لنفانژکتازی را چنین تفسیر کردند که شاید همان عاملی که موجب پیدایش تلانژکتازی در رادیو-درمیتها میگردد موجب گشادی عروق لنفاوی نیز میگردد ولی نکته ای که مغایر چنین تصور است در مورد بیماری که شرح داده شد، لنفانژکتازی در نواحی غیر از رادیودرمیت (زخارو لب های بزرگ) بوجود آمده است. ولی باز نمیتوان عقیده Isadore Fisher را رد کرد چه بسی ممکن است عامل بروز تلانژکتازی در ناحیه ای که رادیوتراپی شده در بدن وجود داشته در اثر گردش خون به نقاط مختلفی از بدن، مهاجرت کرده و موجب بروز لنفانژکتازی یا تلانژکتازی گردد.

## REFERENCES

- 1- Allen, E.V., et al: Peripheral vascular Diseases, Philadelphia: W.B. Saunders Co., 556-561, 1949.
- 2- Kittridge, R, D. and Finley, N: *Amer J. Rou.*, 95: 56-66, 1965.
- 3- Eller, JJ, and Eller, ED: Lymphangioma-Tumors of Skin, Philadelphia: Lea and Febiger., 1951.
- 4- Lever, W.F. (Lymphangioma Circumscriptum) in Histopathology of skin, Philadelphia: J. B. Lippincott Co , ed 4, PP 649-651, 1967.
- 5- Russell, B. and Pridie, R. B: *Brit. J. Derm.*, 79 :300, May 1967.
- 6- Dowling, G. B: Comment, *Brit. J. Derm.*, 79: 300, May 1967.
- 7- Russell, B. and Pridie, R.B: *Bri. J. Derm.*, 79: 298 Nov. 1967.
- 8- Russell, B: *Brit. J. Derm.*, 63: 158-159, April 1951.
- 9- Plotnick, H. and Richfield, D: *Arch. Derm. Syph.*, 74: 466-468, 1956.
- 10- Stewart, F.W. and Treves, N: *Cancer* , 1: 64-81, May, 1948.
- 11- Allen, A. C. (Postmastectomy Lymphangiosarcoma) in the skin ed 2, New York: Grune and Stratton, inc. 7: 1103-1105, 1967.
- 12- Danese, C.A, et al: *Ann. Surg.*, 166: 245-253, 1967.
- 13- Francis, K.C. and Lindquist, H.D. *Amer. J. Surg.*, 100: 617-619, 1960.
- 14- Abe, Y: Sugai, T: *Arch. Derm.*, 100: 294-295, 1969.
- 15- Kattmeier, H.L: *Amer. J. Obstet. Gyne.*, 88: 854-866, April, 1965.
- 16- Isadore Fisher, and Milton Orkin, *Arch. of Derm.*, 101: 230-234, 1970.
- 17- Watson, W.L.: *Surg. Gyne. Obstet.*, 71: 569-588, 9 Nov, 1940,